

محمد علی

۱۰۱۸۹

۸۷/۱۱/۱۶
۸۷/۱۱/۱۶



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده ادبیات
گروه زبان و ادبیات عرب

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب
عنوان پایان نامه
شرح و تعلیق دیوان لیلی الأخیله

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر فیروز حریرچی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر قیس آل قیس

پژوهشگر:

ادریس عبدالله زاده

تیرماه ۱۳۸۷

۱۳۸۷ / ۱۶ / ۲۵

۱۰۰۱۵۹



تاریخ:

شماره:

پیوست:

صور تجلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد

جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد آقای ادریس عبدالله زاده دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با عنوان « شرح و تعلیق دیوان لیلی الأخیلیه » در ساعت ۱۰ روز یکشنبه مورخ ۸۷/۴/۲۳ با حضور استاد راهنما جناب آقای دکتر حریری و استاد مشاور جناب آقای آل قیس و اساتید داور جناب آقای دکتر طبیبیان و جناب آقای رادفر تشکیل گردید. پس از شنیدن خطابه دفاعیه، پرسشهای هیأت داوران مطرح گردید و دانشجو به آنها پاسخ داد و از پایان نامه خود دفاع کرد. جلسه موقتاً برای شور تعطیل شد و پس از تشکیل مجدد به اتفاق آراء و با نمره به عدد (۲۰) به حروف (بیست) درجه (ماکر) آقای ادریس عبدالله زاده به عنوان دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب شناخته شد.

اسامی و امضای هیئت داوران:

استاد راهنما (رئیس هیئت داوران): جناب آقای دکتر حریری

استاد مشاور: جناب آقای آل قیس

استاد داور: جناب آقای دکتر طبیبیان

استاد داور: جناب آقای دکتر رادفر

رئیس پژوهشگاه: جناب آقای دکتر رادفر

مدیر گروه: جناب آقای دکتر آل قیس

نماینده مدیریت تحصیلات تکمیلی: سرکار خانم جواهری

۱۳۸۷ ۱۶۱ ۲۵

نظر اصلاحی هیئت داوران: نظر به اینکه اساتید بزرگوار جناب آقای دکتر حریری و آقای دکتر طبیبیان معترضه مستخرج از پایان نامه (دین) را براساس نامه شماره ۱۳۸۷/۱۶۱/۲۵ به این هیئت مستخرج را

الإهداء

إلى صاحب الفضل الكبير في تربيّتي و تعلّيمي...
إلى من كان لي مشعلاً في طريق الهدى و العلم...

فهرست

عنوان.....	صفحه.....
چکیده.....	ح.....
پیش‌گفتار.....	خ.....
• فصل اول: عصر آموی.....	۱.....
۱-۱. عصر آموی.....	۲.....
۲-۱. اوضاع سیاسی.....	۴.....
۳-۱. اوضاع اجتماعی.....	۹.....
۴-۱. اوضاع اقتصادی.....	۱۳.....
۵-۱. اوضاع فرهنگی.....	۱۵.....
• فصل دوم: شعر در عصر آموی.....	۱۷.....
۱-۲. شعر در عصر آموی.....	۱۸.....
۲-۲. غزل در عصر آموی.....	۱۹.....
۳-۲. فنون شعری خاص.....	۲۲.....
• فصل سوم: موضوعات شعر در عصر آموی.....	۲۴.....
۱-۳. مُجون.....	۲۵.....
۲-۳. زندقه.....	۲۶.....
۳-۳. زهد.....	۳۰.....
۴-۳. شعر مذهبی.....	۳۳.....

۳۳ ۶-۳ خوارج
۳۵ ۷-۳ شیعه
۳۸ ۸-۳ مُرَجئه
۳۹ ۹-۳ معتزله
۴۲	• فصل چهارم: انواع شعر در عصر اموی
۴۳ ۱-۴ مدح و شعر سیاسی
۴۵ ۲-۴ هجاء
۴۷ ۳-۴ رثاء
۴۹ ۴-۴ خمریات
۵۱	• فصل پنجم: زندگی نامه لیلی الأَخِيلِيَّة
۵۲ ۱-۵ لیلی الأَخِيلِيَّة
۵۳ ۲-۵ لیلی و تَوْبَة بن حُمَيْر
۵۵ ۳-۵ لیلی و حجاج بن يوسف ثقفی
۵۷ ۴-۵ کُشته شدن توبه
۵۹ ۵-۵ لیلی و معاویه پسر ابی سفیان
۶۱ ۶-۵ مرگ لیلی
۶۳	• فصل ششم: موقعیت لیلی الأَخِيلِيَّة در میان شاعران
۶۴ ۱-۶ موقعیت لیلی در میان شعراء
۶۶ ۲-۶ زیبایی شناسی شعر لیلی
۶۹	• فصل هفتم: موضوعات شعری دیوان لیلی الأَخِيلِيَّة
۷۰ موضوعات شعری دیوان لیلی الأَخِيلِيَّة
۷۰ ۱-۷ رثاء
۷۴ ۲-۷ وصف
۷۵ ۳-۷ هجاء
۷۹ ۴-۷ مدح
۸۳ ۵-۷ فخر

٨٦	• فصل هشتم: ديوان لیلی الأخیلیّة
٨٧	أنتَ أميرُها
١٠٠	كُنتَ المرْتَجى
١٠٢	عَقَرْتُ مَقْرَمًا
١٠٢	عُقَاتُهُ لَهْفَى
١٠٣	كَأَنَّ قَتَى الْفَتِيَانِ
١٠٤	دَعَا قَابِضًا
١٠٤	فَاتُ لَوْثِ
١٠٥	كُلُّ مَا قَالُوا يَهْرَجُ
١٠٦	تَرَاهُ ضَرْوِيًا بِالصَّفَاتِحِ
١٠٧	نَحْنُ قَتَلْنَا
١٠٩	حَجَّاجُ
١١٠	قَتَلُ بِنَى عَوْفِ
١٣٢	قَتَى الْفَتِيَانِ
١٤١	يَا تَوْبُ
١٤٣	وَمَا أَحَدٌ حَىٰ
١٤٨	إِنْ كُنْتُ تَبْعِي
١٥٠	سَتَلْقَوْنَ غَارَةً
١٥١	لَكِنَّمَا الْهَجْرَانُ
١٥٢	شُمُ الْعَرَانِينَ
١٥٢	يَحْذَرُونَهُ
١٥٣	يَنْظُرُ
١٥٤	عَلَىٰ قَهَا
١٥٤	لَا تَرَىٰ لَهَا شَيْهًا
١٥٤	نَحْنُ الْأَخَائِلُ
١٥٧	لَيْتَ شِعْرِي

١٥٧	أَمِنَ الْخَوَادِثَ أَرْوُغَ
١٥٨	نَالَ الْمَكَارِمَ كُلَّهَا
١٥٩	هُوَ الذُّوبُ
١٦٣	أُنِيخَتْ نَاقَتِي
١٦٧	وَلَا نَسَبُ
١٦٧	أُبَعِدُ عَثْمَانَ
١٦٩	قَوْلِي ... قَابِضُ
١٧٤	نَعِمَ الْفَتَى
١٧٩	مَجِدُنَا كَانَ أَوْلَى
١٨٣	لَمْ تَنْبَغِ
١٨٥	لَا يَنْبَغِي أَنْ نَخُونَهُ
١٨٧	أَنْعَتُ عَيْرًا
١٨٨	عَزِيرُ عَلَيْنَا
١٨٨	كَانَ وَاللَّهِ سَيِّدًا
١٩٣	سِوَاهُ أَحَجَى
١٩٦	وَأَبِكِي لِتَوْبَةٍ
١٩٨	غَلَبَتْ مَلِكًا أَرِيبًا
٢٠٠	نَحْنُ مَنَعْنَا
٢٠١	يُشَبِّهُونَ مُلُوكًا
٢٠٢	تُشَافِي رَوَايَاهُمْ
٢٠٢	تَعَاوَيْتِكَ كِتَابٌ
٢٠٩	مَا بِالْمَوْتِ عَارٌ
٢٠٩	إِذَا غَضِبُوا
٢١٠	يَغْضُ الطَّرْفَ
٢١١	فَانْهَضْ مُعَاوِيَ
٢١٢	أَكْلَنَ

۲۱۲	اللهُ أَعْطَاكَ غَايَةً
۲۱۶	أَفْعَالُهُ
۲۱۶	قَبِيحَتَ مَدْعُوًّا
۲۱۸	نتیجه گیری
۲۱۹	فهرست آیات
۲۲۰	فهرست قافیه ها
۲۲۴	فهرست اعلام
۲۲۸	فهرست اماکن
۲۲۹	فهرست قبایل
۲۳۰	فهرست منابع فارسی
۲۳۱	فهرست منابع عربی
۲۳۶	الخلاصة العربية
۲۴۴	چکیده انگلیسی

چکیده

در این پایان نامه ابتدا مقدمه‌ای پیرامون عصر اموی و ویژگی‌های آن، شعر در عصر اموی، موضوعات شعر در این دوره، زندگینامه لیلی الأخیلیه، موقعیت لیلی در میان شاعران عرب، زیبایی‌شناسی شعر لیلی و موضوعات شعری دیوان او ارائه گردیده است، سپس متن دیوان لیلی الأخیلیه بر اساس تصحیح دکتر عمر فاروق الطباع (۱۹۹۵) همراه با ذکر لغات مهم، ترجمه و شرح ابیات و نیز ذکر نکات نحوی و بلاغی آن به فارسی برگردانده شده است. متن این تصحیح با نسخه ای که دکتر خلیل ابراهیم عطیه و جلیل عطیه در بغداد (۱۹۶۷م) به چاپ رسانیدند، مقابله گردیده است و اعلام متن، از کتاب‌های انساب و زندگی‌نامه‌ها و معاجم، جمع آوری و در پاورقی‌ها شرح داده شده است و توضیحات مرتبط با متن در پاورقی آمده است و در این مورد از تعلیقات کتاب الأغانی و دیگر کتاب‌های مشهور ادبی و تاریخی استفاده گردیده است، در صورتی که ترجمه بیت روشن نبوده، تحت عنوان گزارش یست به صورت کامل شرح داده شده است.

واژگان کلیدی: شعر اموی، لیلی الأخیلیه، توبه بن حُمیر، نکته‌های بلاغی، اشاره‌های نحوی

پیش گفتار

به دلیل پیشینه تاریخی مرد سالاری و زیربنای فرهنگی جامعه، به زن عرب کمتر به عنوان هویتی مستقل و صاحب اندیشه، بها داده شده است. زن در فرهنگ عرب دارای جایگاه فکری بلندی نبوده و عمدتاً حمایت بدون چشم داشت از او دریغ شده است. به این زمینه تاریخی باید مهجور ماندن و در اقلیت قرار گرفتن را نیز افزود. چنان که در طول تاریخ ادبیات عرب، در کتاب‌های ادبی و تاریخی، در برابر تعداد زیاد شاعران مرد، تنها نام عده کمی از شاعران زن آمده است و شگفت آن که حتی کسانی که کتاب‌های *طبقات الشعراء* را نوشته‌اند، زنان شاعر را در هیچ طبقه‌ای قرار نداده‌اند، جز این ستام که بعد از ذکر طبقات ده گانه شاعران جاهلی «خنساء» را در میان طبقه‌ای جداگانه، تحت عنوان «اصحاب المراثی» قرار داده است.

همچنین بیشتر علمای ادب که به شرح دیوان‌های شعر پرداخته‌اند، از میان زنان شاعر، بیشتر توجه خود را به دیوان خنساء معطوف داشته و با وجود داستان عاشقانه بی‌نظیر و سبک شعری قوی و زیبای لیلی الأخیلیه به دیوان او توجهی نشده و در جایگاهی که شایسته آن باشد، قرار نگرفته است و با وجود اینکه داستان‌های عشق غذری و پاک حتی در دیدگاه ناقدان و مورخین معاصر نیز از جایگاه اخلاقی ویژه‌ای برخوردار است، شاید عناصر دینی و اجتماعی تا دوره معاصر، با این اعتبار که اظهار عشق فقط شایسته مردان است، اجازه تحقیق و بررسی در آثار زنی شاعر و دل‌باخته را نداده‌اند. به همین دلیل می‌بینیم که به زندگی و شعر لیلی، آنگونه که باید، توجه نشده است.

توجه به مجموع این نکات مرا بر آن داشت که به شرح این دیوان بپردازم. برای این کار، نسخه دکتر عمر فاروق الطباع را تهیه و با راهنمایی استاد بزرگوار، جناب آقای دکتر فیروز حریرچی، آغاز کردم. بزرگترین دشواری در شرح دیوان، مربوط به اشعاری بود که در آنها به

شیوهٔ جاهلی و با کلماتی زیبا و پربار، احساس خود را در وصف و مدح، به نمایش گذاشته است.

- فصل های پژوهش:

- فصل اول: بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در عصر اموی

- فصل دوم: شعر در عصر اموی

- فصل سوم: موضوعات شعر در عصر اموی

- فصل چهارم: انواع شعر در عصر اموی

- فصل پنجم: زندگی نامهٔ لیلی الأخیلیه

- فصل ششم: موقیت لیلی الأخیلیه در میان شاعران

- فصل هفتم: موضوعات شعری دیوان لیلی الأخیلیه

- فصل هشتم: دیوان لیلی الأخیلیه

- سؤال های پژوهش:

۱. آیا لیلی در دیوان خود فقط به مرثیه پرداخته است؟

۲. آیا لیلی در دیگر موضوعات شعری نیز طبع آزمایی کرده است؟

۳. لیلی در بین شعرا در چه جایگاهی قرار می گیرد؟

- فرضیه های پژوهش:

۱. لیلی در دیوان خود بیشتر به مرثیه پرداخته است.

۲. در دیوان لیلی علاوه بر اشعار مرثیه اشعاری در مدح و هجا نیز وجود دارد.

۳. لیلی از جایگاه والایی در شعر زن برخوردار است.

- هدفهای پژوهش:

۱. آشنایی با دورهٔ اموی و وضعیت شعر در آن دوره

۲. آشنایی با شعر زن در این دوره و ویژگی های کلامی و واژگانی شاعران زن.

۳. بیان نکات بلاغی و زیبایی های شعری دیوان.

در این پژوهش روش کار به صورت کتابخانه‌ای بوده و تلاش شده است تا حد امکان از منابع دست اول استفاده شود. در مورد ابیات و مصراع‌هایی که به صورت‌های مختلف آمده است، سعی شده که بیت یا مصراع متفاوت، همراه با توضیحات دیگر درباره اعلام و اماکن در پاورقی آورده شود. ابیاتی که در فصل های پنجم و ششم و هفتم اشاره شده است به صورت گزینشی از دیوان لیلی الأخیلیه انتخاب گردیده و متن کامل دیوان مذکور در فصل هشتم آمده است، در پایان نیز برای دستیابی آسانتر، فهرست آیات، قافیه ها، اعلام، اماکن، قبایل، منابع فارسی، منابع عربی، چکیده عربی و انگلیسی ارائه شده است.

در پایان از همه استادان و بزرگوارانی که بنده را در شرح این دیوان یاری داده‌اند، به ویژه از زحمات بی‌شائبه و دلسوزانه استاد بزرگوارم، جناب آقای دکتر فیروز حریرچی که راهنمای من در رفع مشکلات این کار بودند و بی‌دریغ مرا از اندوخته‌های گرانبهایشان بهره‌مند ساختند و نیز جناب آقای دکتر آل قیس که از مشورت های ایشان نهایت استفاده را برده ام و ضمن سپاسگذاری از استاد عزیزم جناب آقای دکتر سید حمید طیبیان که بزرگوارانه بنده را در شرح این اثر یاری کردند، سعادت و سرافرازی را برای همه استادانی که از محضر پربرکشان بهره برده‌ام، از درگاه یزدان پاک مسئلت دارم و نیز از زحمات پدر و مادرم که در تاریکی‌های زندگی چراغ راهم بودند، تشکر و قدردانی می‌کنم.

و سخن آخر:

و لَسْتُ أَرْجُو لِمُهَوْرِهِا يَدَا غَيْرَ دُعَاءِ لِسِي نَافِعِ عَدَا
و أَسْأَلُ اللَّهَ تَجَنُّبَ الزَّلِيلِ مِنْ فَضْلِهِ فِي كُلِّ قَوْلٍ وَعَمَلٍ

فصل ۱
عصر أموی

عصر اموی

«آن گونه که تاریخ برای ما روایت می‌کند، زمانی که قوم عرب در نهایت انحطاط اخلاقی و پریشانی اوضاع اجتماعی و احوال سیاسی بود، پیامبر اسلام (ص) ظهور کرد و با کتاب خدا، قرآن، مردم را به توحید و آیین اسلام دعوت نمود و پس از چند سال، دولت مقتدر عربی و شریعت بزرگ اسلامی و ملت متحد و نیرومند عرب را به جهانیان معرفی کرد. بعد از رحلت آن حضرت، خلفای راشدین به پیروی از احکام قرآن و روش پیامبر (ص) بر عظمت اسلام و وسعت امپراطوری عرب افزودند، اما در اثر روی آوردن قومیت‌های مختلف به اسلام و پیدایش مذاهب گوناگون، پس از واقعه قتل خلیفه سوم، اختلافات سیاسی، آغاز و احزاب و دسته‌های متعددی پیدا شد.»^۱

«بعد از شهادت خلیفه سوم، عثمان بن عفان (رض)، مهاجر و انصار در مدینه با علی بن ابی طالب (رض) بیعت کردند. معاویه که در زمان خلیفه دوم، عمر بن خطاب (رض) حکومت شام را در اختیار داشت و در زمان خلیفه سوم نیز در حکومت خود باقی بود، از بیعت با علی (رض) امتناع ورزید و ایشان را متهم کرد که درباره عثمان (رض) کوتاهی کرده و قاتلان وی را در سپاه خود پناه داده است، بنابراین جنگ و اختلاف بین مسلمانان بالا گرفت.»^۲

۱. ترجمانی زاده، ۱۳۴۸ هـ ش، تاریخ ادبیات عرب، ص ۶۰.

۲. بیضون، ۱۹۸۸ م، من دولة عمرالی دولة عبدالملک، ص ۱۲۱.

«بعد از شهادت خلیفه چهارم، علی بن ابی طالب (رض)، مسلمانان امام حسن (رض) را به خلافت انتخاب کردند، ولی امام حسن نتوانست در مقابل معاویه مقاومت کند و چون شایعه شد که سپاه ایشان در مقابل سپاه شام شکست خورده است، عراقیان از ایشان کناره گرفتند و ایشان به ناگزیر و برای جلوگیری از کشته شدن مسلمانان از حق خود صرف نظر کرد و خلافت را به معاویه واگذار نمود»^۱ و بدین ترتیب سلسله اموی بنیانگذاری شد.

آنچه بنی امیه را از دیگر خلفای پیشین متمایز می ساخت این بود که آنها خلافت اسلامی را به حکومتی عربی تبدیل کردند. آنها زهد و تقوی را رها کرده و به حفظ آداب و رسوم بدوی و عادات جاهلی متمسک شدند، زندگی در عصر جاهلی بر تعصبات قبیله‌ای استوار بود و همین تعصبات، یکی از دلایل درگیری‌های فراوان آنها در عصر جاهلی بود. همانطور که این مسأله در جنگ «بسوس» بین قبیله «بنی بکر» و «بنی تغلب» در تاریخ ثبت شده است. اما دین اسلام این تعصبات قبیله‌ای را از میان برداشت و امت عربی را به امتی یکپارچه تبدیل کرد.

در دوره اموی بر اثر سیاست‌های غلط خلفا این تعصبات بار دیگر در میان مسلمانان ظهور یافت و رقابت بر سر به دست آوردن کرسی خلافت، عرب‌ها را به احزاب و گروه‌های مختلف که در ظاهر، دینی و در حقیقت سیاسی بودند، تقسیم کرد؛ از این گروه‌ها می توان به خوارج، مرجئه، معتزله و شیعه اشاره کرد.

۱- حسن ابراهیم حسن، بی تا، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۳۰۱

۱- اوضاع سیاسی:

مخالفت با سیاست حاکمان در هر مکان و زمانی، جزئی از طبیعت انسان بوده است و حتی در زمان پیامبر(ص) نیز به روایت تاریخ، اعتراضاتی نسبت به ایشان شده است، همانطور که در تاریخ طبری آمده است که: مردی از قبیله تمیم از پیامبر خواست که در تقسیم غنائم، عدالت را رعایت کند.^۱

اما حادثه خطرناک سیاسی که در جامعه اسلامی اتفاق افتاد و تأثیر زیادی در تحولات سیاسی داشت، به قتل رسیدن خلیفه سوم بود؛ نه از این جهت که خلیفه رسول الله(ص) به قتل رسیده بود، چرا که قبل از وی عمر بن خطاب(رض) نیز به قتل رسیده بود، هرچند قتل عمر همانند قتل خلیفه سوم برای جهان اسلام خطرناک نبود، بلکه از این رو که انقلابی که علیه خلیفه سوم رخ داد و به شهادت ایشان انجامید، قداست و احترام خلیفه را در جامعه اسلامی از بین برد و از طرفی نقطه تبدیل حکومت دینی به پادشاهی بود.

حقیقت این است که اگرچه به ظاهر شورش بر علیه خلیفه سوم، در راه خدا، بر علیه خلیفه و به جهت تحقق عدالت و از بین بردن ظلم و فساد صورت گرفت، اما در حقیقت انگیزه آن فقط مادی و دنیوی بود نه دینی^۲، و از نتایج این انقلاب، پیدایش حکومت مقتدر اموی بود که به بهانه خونخواهی خلیفه، خواهان حکومت اسلامی بودند.

از طرف دیگر پیدایش اختلاف بین معاویه به عنوان فرمانروا و مؤسس حکومت اموی و علی بن ابی طالب(رض)، خلیفه رسول الله(ص)، باعث ظهور حزب جدیدی به نام «خوارج» شد که

۱. طبری، تاریخ طبری، لا تلحج ۳، ص ۱۸.

۲. بیضون، پیشین، ص ۱۱۴.

بیشتر تعصب اسلامی داشتند تا تعصب نژادی نسبت به عرب و هدف آنها حل مشکلات مردم با توجه به آن چیزی بود که خداوند امر کرده بود.

به دنبال این حوادث، شهادت خلیفه چهارم (رض)، که یکی از آثار فتنه‌ای بود که برای خلیفه سوم اتفاق افتاد، باعث پیدایش حزب «شیعه» شد که بیشتر اعضای آن را «موالیان» تشکیل می‌دادند.

به محض اینکه امویان حکومت را به دست گرفتند، به این نتیجه رسیدند که اداره حکومت، بیشتر به سیاست اندیشمندانه نیاز دارد تا زهد و تقوی. به همین دلیل بزرگان سیاست و داهیان عرب، از جمله زیادبن ابیه و حجاج بن یوسف ثقفی را به دربار حکومت نزدیک کردند. آنها شعر را به عنوان سلاحی برنده و قوی در جهت گسترش حزب اموی و تأیید حکومت خویش و تسخیر و سرکوب دشمنان و مخالفان به کار گرفتند و از این جهت، تأثیر زیادی بر شعر عربی گذاشتند، زیرا آنها شعر را به طرف فعالیت‌های سیاسی و حزبی سوق دادند؛ بنابراین آتش شعر که در زمان خلفای راشدین خاموش بود در این دوره برافروخته شد. بدون شک سیاست حزب‌گرایی بنی‌امیه تعصبات قبیله‌ای جاهلی را بار دیگر زنده کرد، پس در شعر و روح مردم، انقلاب جدیدی به وجود آمد که باعث سرخوردگی و منزوی شدن مسلمانانی شد که ایمانشان آنها را به دوری از این تعصبات جاهلی و به سوی برادری و مهربانی با یکدیگر، در زیر سایه پرچم اسلام فرا می‌خواند.^۱

از دیگر سیاست‌های بنی‌امیه، دادن صلها و بخشش‌های فراوان به عده‌ای برای تهدید یا نزدیک کردن اشخاص به دربار بود و گروه‌های زیادی را نیز از این بخشش‌ها محروم کردند که موجب نارضایتی در بین مردم شد. سرزمین حجاز بیشترین استفاده را از بخشش‌ها و اموال امویان بُرد و به همین دلیل، رفاه و آسایش در آنجا زیاد شد که باعث پیدایش غنا و غزل‌های عاشقانه و هنر موسیقی

۱. بیضون، پیشین، ص ۱۴۷

و اسباب خوشگذرانی گردید. طه حسین در این باره می‌گوید: «و آن چیزی نبود جز اینکه در سرزمین حجاز طبقه‌ای اشرافی ظاهر شدند که قادر به انجام کاری نبود و بردگانی که از دیگر سرزمین‌ها به آنجا آورده می‌شدند، کارهایشان را انجام می‌دادند و ایشان بیشتر وقت خود را به خوشگذرانی و بی‌بند و یاری می‌گذراندند، از طرف دیگر باعث شد که تمدن‌های مختلف به سرزمین حجاز و دیگر بلاد عرب منتقل شوند. به همین دلیل رفاه و آسایش و هنرهایی مانند آواز و موسیقی که زائیده آن است، در آن سرزمین‌ها فراوان گشت.»^۱

همچنین موروثی کردن خلافت توسط معاویه، نقطه خطرناکی بود که در جامعه اسلامی اتفاق افتاد، زیرا مسلمانان تا آن زمان از طریق بیعت و شورا خلیفه را تعیین می‌کردند؛ به همین دلیل مردم مخصوصاً در مکه و مدینه که بیشتر به احادیث و سنت پیامبر (ص) اقتدا می‌کردند، به این نتیجه رسیدند که امویان خلافت را به سلطنت مبدل ساخته‌اند و طولی نکشید که این سیاست آنها خشم عده زیادی از خاندان‌های عرب و موالی را برانگیخت و خود یزید، پسر معاویه، تأثیر زیادی در برآشفتن و نارضایتی مسلمانان داشت و حتی گروهی از مردم مدینه که به دیدار او رفته بودند، در توصیف وی گفتند: «مردی است که دینی ندارد، شراب می‌نوشد و چنگ می‌نوازد، کنیزان برای او می‌رقصند و...»^۲

از یک طرف به علت همین بی‌بند و باری‌ها، فتنه و آشوب در حجاز می‌خروشید و از طرف دیگر مردم می‌خواستند حکومت اموی را سرنگون کنند، زیرا می‌دانستند امویان انسان‌هایی فاسد و غاصب هستند و همه این عوامل دست به دست هم داد تا در سال ۶۳ هجری، جنگ «حره» به وقوع بپیوندد.^۳

۱. طه حسین، ۱۹۵۳م، الفتنه الکبری، ص ۱۰۴

۲. طبری، لا تا، ج ۷، ص ۴

۳. طبری، پیشین، ص ۱۲

همچنین در عصر حکومت یزید، دو اتفاق دیگر رخ داد که اثر عمیقی در دل همه مسلمانان بر جای گذاشت: حادثه اول، سنگ باران شدن خانه کعبه به وسیله منجنیق‌ها، توسط سپاه یزید و سوزاندن آن بود. حادثه دوم که تأثیری ژرف‌تر داشت و بسیار خطرناک‌تر از حادثه اول بود، به شهادت رسیدن حسین بن علی (رضی الله عنهما) بود. شکی نیست که به شهادت رسیدن ایشان، نه تنها برای شیعه، بلکه برای همه مسلمانان فاجعه‌ای بزرگ بود. امام حسین (رض) نوه پیامبر (ص) بود و به شهادت رساندن ایشان بدین شکل غیرانسانی و ناخوشایند، باعث برانگیختن غیرت دینی و احساسی مسلمانان شد. حتی یزید نیز که این خشم مسلمانان را احساس کرده بود، یر قاتل امام، عبیدالله بن زیاد، خشم گرفته و می‌گوید: «با قتل او مرا مورد خشم مسلمانان قرار داد و در دل‌های آنها کینه و دشمنی نسبت به من را کاشت، طوری که نیکوکار و بدکار، مرا نفرین می‌کند که من شخصی چون حسین را کشته‌ام.»^۱

«تأثیر این حادثه بر شیعیان به اندازه‌ای بود که کار آنها بالا گرفت و عده زیادی از موالیان نیز که می‌خواستند از طریق شیعیان به حکومت برسند، به آنها پیوستند. موالیان از ناحیه حکومت اموی کاملاً مورد بی‌مهری واقع شده بودند، زیرا امویان تعصبات نژادی جاهلیت را دوباره زنده کردند و به عربیت خود می‌بالیدند و خود را طبقه برتر می‌دانستند.»^۲

در گروه خوارج نیز تعداد زیادی از موالیان بودند که به هر طریقی در پی انقلاب علیه حکومت اموی بودند. طبری در تاریخ خود نقل می‌کند: «کسی که مسعود بن عمرو را کشت، شخصی به نام «عَلَج» بود که اسلام آورده و به بصره آمده بود، سپس به گروه خوارج پیوست.»^۳

۱. پیشین، ص ۱۹

۲. پیشین، ص ۱۹

۳. پیشین، ص ۳۱